آسیب شناسی ازداوج زود هنگام دختران دانش آموز

جمشید میرزایی ـ بخش اول

ازدواج پدیده‌ای اجتماعی و امری مقدس است. هر پدیده اجتماعی (و ازدواج نیز که از این قاعده جدا نیست) متأثر از شرایط مکانی و زمانی خاص خود است. دیر زمانی بود که ازداوج کردن در سنین ۱۲و۱۳سالگی نُرم عمومی جامعه بود و ازدواج در سنین بالاتر از آن، امری غیرطبیعی و غیرنرمال بود. گسترش شهرنشینی، افزایش مدارس و میل به گسترش و کسب سواد، افزایش سطح تحصیلات، تغییر نگرش‌ها و... موجب بالارفتن سن ازداوج شد.

در شرایطی که افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق و... خانواده ایرانی را تهدید می‌کنند، اما موضوع "ازدواج در سنین پایین" در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مسائل حال حاضر جامعه ایرانی می‌شود. به طوری که امروزه شاهد ازداوج دختران مقطع متوسطه اول (در سنین ۱۲و ۱۳ساله) هستیم. در ادامه چند گزارش آماری را مرور می‌کنیم:

«سازمان یونیسف با انتشار گزارشی اعلام کرده که هرسال در جهان ۱۵ میلیون دختر در سن خردسالی ازدواج می‌کنند و حق سلامتی، آموزش، تحصیل و فرصت‌ها از آن‌ها گرفته شده و کودکی‌شان دزدیده می‌شود و اگر کاری انجام نگیرد، تا سال ۲۰۳۰ هر سال ۱۵/۴ میلیون دختر خردسال ازدواج می‌کنند. در کشورهای درحال توسعه، از هر ۹ دختر یکی قبل از تولد ۱۵ سالگی‌اش ازدواج می‌کند و برخی عروس‌ها حداکثر ۸ یا ۹ سال دارند.»(روزنامه قانون، ۱۳۹۴/۱۲/۱۱)

«بر اساس گزارش‌های مندرج در سایت ثبت احوال تعداد ازدواج‌های پیش از سن قانونی ثبت شده در ۹ ماهه اول سال ۹۴ در گروه سنی بین ۱۵ –۱۹ سال، ۱۳ هزار و ۳۳۸ و تعداد ثبت ازدواج‌ها در سنین زیر ۱۵ سال هم ۴ هزار و ۵۴۷ ثبت شده است. در ضمن در ۹ ماه سال ۱۳۹۴ بیشترین ترکیب ازدواج ثبت شده مربوط به ترکیب سنی ۲۰–۲۴ ساله و زنان ۱۵–۱۹ ساله بوده است که تعداد آن برابر با ۷۸هزار و ۶۷۴ واقعه است.»(سلیمانی،۱۳۹۵:۴)

«شیرین‌احمدنیا معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: ازدواج کودکان تبدیل به یک مسئله جهانی شده است و طبق آخرین آمار، ۷۰۰ میلیون زن در جهان هستند که در سنین کودکی ازدواج کرده‌اند. بر اساس آمارها در کشورهای در حال توسعه از هر۳ دختر یک نفر قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کند و ۲۰ کشوری که بالاترین نرخ شیوع ازدواج کودکان در آن‌ها وجود دارد، عبارتند از: نیجر، آفریقای مرکزی، چاد، بنگلادش، سودان جنوبی، مالی، بورکینافاسو، گینه، موزامبیک و... . در ایران نیز تقریبا حدود ۱۷ درصد دختران پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، طبق آمار یونیسف۳ درصد از دختران هم پیش از رسیدن به سن ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند.»(احمد نیا به نقل از صباغی،۱۳۹۵:۵)

«در سال ۹۰ اخباری که از هرمزگان رسید نشان می‌داد که در سه شهر این استان پنج نفر زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند. این خبر از سوی مدیرکل ثبت‌احوال هرمزگان اعلام شد. این ازدواج‌ها در شهرستان‌هایی مانند بندرعباس، قشم و میناب به ثبت رسیده بود. در همین استان ۵۳۰ واقعه ازدواج کمتر از ۱۴ سال نیز به ثبت رسیده است.»(روزنامه قانون، ۱۳۹۴/۱۲/۱۱)

«براساس آمار رسمی ثبت احوال کردستان سال گذشته ازدواج ۱۰ کودک زیر ۱۰ سال در این استان به ثبت رسیده است و این به معنای زنگ خطر است.»(روزنامه آرمان،۱۳۹۵/۳/۲۶)

مباحث قانونی و حقوقی

دکتر سید علی کاظمی قاضی دادگستری، استاد دانشگاه و رئیس اداره مطالعات حقوقی و قضایی قوه‌قضاییه می‌گوید: به طور کلی چند سند بین‌المللی در زمینه سن ازدواج وجود دارد. یکی از آن‌ها کنوانسیون تعیین سن ازدواج است که کشور ما و عمدتاً کشورهای اسلامی به آن نپیوستند به علاوه چند سند تفصیلی دیگر در سطح بین‌الملل که سن ازدواج را حدود ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. آخرین اسنادی که از کمیته حقوق کودک و کمیته منع تبعیض علیه زنان مشاهده می‌کنیم نیز حداقل سن ازدواج را ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. اما در پیمان‌نامه حقوق کودک، صراحتاً در مورد سن ازدواج چیزی مطرح نشده فقط در این کنوانسیون آمده است سن ازدواج زمانی باید باشد که فرد (کودک) دارای قابلیت‌های لازم برای تشکیل زندگی باشد و در عین حال ازدواج به رشد کودک، پرورش و آموزش وی صدمه‌ای وارد نکند.

سابقاً درکشور ما ملاک ازدواج سن ۱۸ سال بود اما پس از انقلاب به سن بلوغ شرعی (۹سال قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران) تغییر یافت، سال‌ها بعد مجمع تشخیص مصلحت نظام سن ازدواج برای دختران را ۱۳ سال و ۱۵ سال را برای

پسران عنوان کرد. اما قانونگذار اجازه داده که با سه شرط، زیر این سنین هم ازدواج صورت گیرد: ۱- مَصلحت کودک اقتضا کند، ۲- پدر و مادر راضی باشند و۳- اینکه دادگاه رضایت بدهد.(کاظمی،۱۳۹۵:۵)

زمینه و عوامل مؤثر

حال سوال اینجاست که این گونه ازدواج‌ها بیشتر در چه نوع خانواده‌های شکل می‌گیرد؟ مطالعات نشان می‌دهد که ازدواج دختران در سنین کم و پایین در خانواده‌هایی که از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح پایینی باشند و یا بد سرپرست (پدر معتاد، بیسواد یا کم سواد، بیمار روانی) باشند و یا کودک با یکی از والدین یا با پدر یا مادر ناتنی خود یا در خانواده پدربزرگ - مادر بزرگ زندگی می‌کنند، بیشتر است.

عوامل مؤثر بر پدیده ازدواج زودهنگام دختران را می توان به طور کلی در سه بخش دسته‌بندی کرد:

الف) فرهنگ وآداب، رسوم، سنن و عرف؛ به خصوص در میان اقوامی که هنوز متعصبانه خود را مقید به برخی از سنت‌هایشان می‌دانند. مثلاً "ما رسممان این است که دختر را زود به خانه شوهر بفرستیم". چشم هم چشمی و حس جاماندگی از دیگران را نیز می توان در این صورت‌بندی جای داد. مثلاً "چون برای دخترخاله‌اش هفته گذشته خواستگار آمده، ما نیز در اولین مواجهه خواستگار باید سریع دخترمان را شوهر بدهیم تا از دیگران جا نمانیم".

ب) عوامل اقتصادی و هزینه‌های معیشتی خانواده؛ حسین باهر معتقد است: «در بسیاری از مواقع با وقوع فقر، والدین بودن دختران را هزینه و بار اضافی بر هزینه خانوار محسوب کرده و با ازدواج او نه تنها بار هزینه را می‌کاهند بلکه‌گاه با ازدواج دخترشان با افراد مسن‌تر می‌توانند به زندگی اقتصادی و اجتماعی دختر و حتی خودشان نیز سامان بهتری دهند. در این اجتماعات ازدواج برای خانواده دختر به نوعی امتیاز اقتصادی نیز محسوب می‌شود.(باهر به نقل از روزنامه قانون،۱۳۹۴/۱۲/۱۱) مطالعات میدانی ما نشان می‌دهد که زود شوهر دادن دختران الزاماً نتیجه‌اش کم کردن نانخور (به زعم بعضی خانوادها) نیست. در ایام آغازین دوره نامزدی و عجله خانواده‌ها برای جاری ساختن صیغه عقد و محرم شدن دختر و پسر، پس از مدتی این فرایند انجام می‌گیرد. با جاری شدن این عقد، خانواده جدیدی شکل می‌گیرد که سرپرستی آن بر عهده تازه داماد قرار می‌گیرد و بالتبع یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی دختر که اکنون در ذیل سرپرستی خانواده جدید تعریف می‌شود، به حساب داماد واریز می‌شود. می‌بینیم عملاً خانواده دختر از یک سو از ۴۵۵۰۰ تومان درآمد ماهانه محروم می‌شوند و از طرف دیگر داماد جوان نیز تمایل دارد مدام به نامزد و نوعروس خود سرکشی کند و به اصطلاح بر سر خانواده پدرزن"چتر"شود. نتیجه اینکه نه تنها یک نانخور کم نشده بلکه یک نانخور نیز (به صورت غیر رسمی) اضافه شده است.

بسیاری از این دختران ابتدا به ساکن هستند و الفبای ازدواج و زناشویی را نمی‌دانند و شوربختانه هیچ کس و هیچ نهادی هم مسائل زندگی مشترک را به آن‌ها آموزش نمی‌دهد به طوری که در زندگی مشترک با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد. واقعیت تلخ این است که ازدواج دختران در سنین کم که دارای شرایط ویژه‌ای نیز هستند، با توجه به ناتوانی و آمادگی نداشتن دختران کم سن و سال و پیچیدگی‌ها و مقتضیات جامعه کنونی ما، نمی‌تواند خانواده‌ای سالم و با نشاط و دارای کارویژه‌های نظیر محیط مناسب برای رشد و تربیت کودکان، همزیستی مسالمت‌آمیز و... را ایجاد کند.

ج) باورهای غلطِ رایج؛ مواردی نظیر دختر اگر زود ازدواج نکند می‌ترشد، قسمت اینجور بوده، ما همسن این‌ها بودیم دو تا بچه داشتیم و... . برخی باورهای غلط دیگر نیز رایج است که بر مبنای آن و به زعم خود می‌خواهند دختران را از خطرات محیط و جامعه حفظ کنند. مثلاً برخی معتقدند دختر ۱۳-۱۴ ساله اگر زود ازدواج نکند در این جامعه پراز گرگ، به گناه می‌افتد!... . شواهدی نیز در مورد بلوغ جسمی وجود دارد که برخی خانواده‌های عشایر اعتقاد دارند دختر باید در خانواده شوهر به بلوغ برسد!

نوعروسان در مدرسه

حضور این دانش‌آموزان تازه متأهل شده (در قالب نامزدی، عقد موقت و صیغه محرمیت و...) در کنار سایر دانش‌آموزان تبعات منفی‌ای به همراه دارد. به هر حال باید پذیرفت دختری که در شرایط امروزین جامعه در سن ۱۲ سالگی (پایه هفتم) ازدواج می‌کند (چه عقد دائم چه موقت و صیغه محرمیت که در شناسنامه درج نمی‌شود و هیچ ممانعت قانونی برای ادامه تحصیل چنین افرادی در مدارس عادی روزانه نمی‌تواند وجود داشته باشد) و با توجه به خصوصیات کودکان در این سن، صاحب دنیای روحی متفاوتی و تجربیات جدیدی از زندگی متأهلی می‌شوند. کنجکاوی‌های دانش‌آموزان و همکلاسی‌ها و میل به دانستن خاطرات و تجربیات دوست تازه نامزد کرده‌شان، پرسش‌های بی‌پایانی را در این مورد بوجود می‌آورد. در مقابل این انتظار و کنجکاوی به وجود آمده، ما شَاهد انتقال بی واهمه تجربیات و خاطرات این نومتأهلان (اعم از تجارب جنسی، تغییر حالات روحی روانی و...) برای دیگر همکلاسی‌ها هستیم که منجر به سرایت به دیگر دانش‌آموزان می‌شود. چون قبح اخلاقی در این مورد وجود ندارد و آن‌ها این کار را قبیح نمی‌دانند به دنبال آن بسیاری از قبح‌های اخلاقی دیگر شکسته می‌شود. یعنی این نومتأهلان بی هیچ واهمه و شرم و حیایی به راحتی تجارب جدید خود را به دانش‌آموزان دیگر انتقال می‌دهند.

بسیاری از این دختران ابتدا به ساکن هستند و الفبای ازدواج و زناشویی را نمی‌دانند و شوربختانه هیچ کس و هیچ نهادی هم مسائل زندگی مشترک را به آن‌ها آموزش نمی‌دهد به طوری که در زندگی مشترک با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد. واقعیت تلخ این است که ازدواج دختران در سنین کم که دارای شرایط ویژه‌ای نیز هستند، با توجه به ناتوانی و آمادگی نداشتن دختران کم سن و سال و پیچیدگی‌ها و مقتضیات جامعه کنونی ما، نمی‌تواند خانواده‌ای سالم و با نشاط و دارای کارویژه‌های نظیر محیط مناسب برای رشد و تربیت کودکان، همزیستی مسالمت‌آمیز و... را ایجاد کند.